

داوید لو برتون

# جامعه‌شناسی بدن

ترجمه ناصر فکوهی



www.ketab.ir

لو برتون، داوید، ۱۹۵۳ - م.

Le Breton, David

جامعه‌شناسی بدن / داوید لوپروتون؛ ترجمه ناصر فکوهی

تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲

ص. ۱۴۷

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۰-۸۵۵-۶

عنوان اصلی: la sociologie du corps

بدن انسان — جنبه‌های اجتماعی

شناسه افزوده: فکوهی، ناصر، ۱۳۳۵ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ج ۲ / ۵۲ HM۶۳۶

رده‌بندی دیویی: ۳۰۶/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۹۰۹۱۸



PEFC™ FSC

Paper from well-managed forests  
and controlled sources.

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع  
کاملاً مدیریت‌شده تهیه شده است.

www.ketab.ir



### جامعه‌شناسی بدن

داوید لو برتون

ترجمه ناصر فکوهی

طراح جلد: حمید باهو

مجموعه فلسفه و علوم اجتماعی

چاپ هفتم: ۱۴۰۱ / ۳۳۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۰-۸۵۵-۶

همه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

قیمت: ۸۲۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخانزند / بین ایرانشهر و ماهشهر / شماره ۱۵۰ / طبقه چهارم

فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخانزند / بین ایرانشهر و ماهشهر / شماره ۱۴۸

فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت / مجتمع ایرانمال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳

فروشگاه شماره سه: پاسداران / میدان هروی / مجتمع هدیشمال / طبقه ششم

تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۴۷ - ۸۸۳۰۲۴۴۷ - ۸۸۳۲۵۴۷۶-۷

salesspublication.com @salesspublication

## فهرست

۷	پیشگفتار نویسنده برای ترجمه فارسی
۱۳	پیشگفتار
۱۳	۱. شرایط بدنی
۱۶	۲. دغدغه اجتماعی بدن
۱۸	۳. جامعه‌شناسی بدن
۲۱	۴. رویکردها
۲۳	فصل اول. بدن و جامعه‌شناسی: مراحل یک تفکر
۲۴	۱. جامعه‌شناسی ضمنی
۲۸	۲. جامعه‌شناسی منقطع
۳۷	فصل دوم. در باره چند ابهام
۳۷	۱. ابهام در یک استناد: «بدن»
۳۸	۲. مواد تاریخی
۴۲	۳. مواد مردم‌شناختی
۴۶	۴. بدن، عنصر امر خیالین اجتماعی
۴۹	فصل سوم. داده‌های شناخت‌شناسی
۴۹	۱. وظیفه
۵۳	۲. ابهاماتی که باید روشن شوند
۵۴	۳. جامعه‌شناسی بدن؟
۵۵	۴. خطرات
۵۹	فصل چهارم. حوزه‌های پژوهش، ۱: منطق‌های اجتماعی و فرهنگی بدن
۶۰	۱. فنون بدن
۶۷	۲. آداها

۷۱	۳. برجسب کالبدی
۷۶	۴. بیان عواطف
۸۱	۵. دریافت‌های حسی
۸۴	۶. فنون مصاحبه
۸۷	۷. نقش‌های روی بدن
۸۹	۸. رفتارهای نامتعارف بدنی
۹۱	<b>فصل پنجم. حوزه‌های پژوهش، ۲: تخیل اجتماعی بدن</b>
۹۱	۱. «نظریه» های بدن
۹۲	۲. رویکردهای زیست‌شناختی به موضوع بدنمندی
۹۶	۳. تفاوت‌های جنسیت‌ها
۱۰۱	۴. بدن، حامل ارزش‌ها
۱۰۶	۵. بدن خیالی نژادگرایی
۱۰۷	۶. بدن «ناتوان»
۱۱۳	<b>فصل ششم. حوزه‌های پژوهش، ۳: بدن در آینه امر اجتماعی</b>
۱۱۳	۱. ظواهر
۱۱۶	۲. کنترل سیاسی بدنمندی
۱۲۰	۳. طبقات اجتماعی و روابط قدرت
۱۲۲	۴. مدرنیته
۱۲۸	۵. خطر و ماجراجویی
۱۳۱	۶. بدن، فراتر از خود
۱۳۵	<b>فصل هفتم. جایگاه جامعه‌شناسی بدن</b>
۱۳۵	۱. کارگاه
۱۳۶	۲. وظیفه
۱۳۹	کتاب‌شناسی
۱۴۳	نمایه

## پیشگفتار نویسنده برای ترجمه فارسی

موقعیت انسانی، موقعیتی بدنی است. بدن، ماده‌ای است هویت‌ساز، چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی؛ فضایی که خود را در معرض دید و خوانش و ارزیابی دیگران قرار می‌دهد. نامی که ما بر خود داریم، شناخته شدنمان، تعلق ما به یک گروه اجتماعی همه از خلال بدن تحقق یافته و انجام می‌گیرد. در این میان، پوست، در عین حال که حدود بدن را مشخص کرده، آن را فرا گرفته، محاصره می‌کند و مرزی است زنده میان درون و برون، انعطاف زیادی نیز دارد، زیرا گشایش ما نسبت به جهان نیز از خلال پوست می‌گذرد که حافظه‌ای حیاتی است. پوست پوششی است که شخص را درون خود می‌گیرد و با متفاوت کردن او از دیگران یا با شبیه ساختن او به دیگران بنا بر نشانه‌های به کار گرفته شده، به او موجودیت می‌دهد. بدن، ریشه هویتی انسان است، مکان و زمانی که جهان کالبد می‌یابد. بنابراین ما همانگونه که با یک هوشمندی بدنی روبرو هستیم، با نوعی بدنمندی اندیشه نیز سروکار داریم. فنون بدنی برای بیان عواطف، از دریافت‌های حسی گرفته تا خالکوبی، از حرکات بهداشتی گرفته تا تغذیه، از آداب سفره گرفته تا شیوه‌های خوابیدن، از اشکال معرفی خویشتن گرفته تا مدیریت سلامت یا بیماری، از نژادگرایی گرفته تا سیاست‌های بهبود نژاد، از خالکوبی گرفته تا سوراخ کردن پوست، بدن ماده‌ای است پایان نایافتنی برای عملکردهای اجتماعی، بازنمایی‌ها و خیال. ممکن نیست بتوانیم از یک انسان سخن بگوییم بدون آن‌که ابتدا فرض بگیریم چنین انسانی دارای بدنی محسوس و دارای حساسیت‌های خاص خود باشد. مرلو پونی می‌گفت: «بدن ابزار عام ادراک جهان است.»

موجودیت انسان ایجاب می‌کند که وی نظام حسی، حرکتی، اندامی، تقلیدکننده و غیره خود را به جریان درآورد. و او این امر را به گونه‌ای انجام می‌دهد که درون یک گروه از لحاظ اجتماعی به نشانه‌گذاری‌ها و ادراک به وسیله کنشگران اجتماعی در هر شرایط از زندگی جمعی، امکان دهد. درک جهان حاصل درونی شدن نشانه‌های اجتماعی و سپس بازخوانی و به کار گرفته شدن آن‌ها به وسیله کنشگران اجتماعی، از خلال یک بدن انجام می‌گیرد. بنابراین بدن را باید محوری دانست که امکان درک نسبت با جهان را به وسیله انسان ممکن می‌کند. از خلال بدن است که فرد جوهر هستی خود را بنا بر شرایط اجتماعی و فرهنگی، سن، جنسیت، شخصیت خود در اختیار می‌گیرد و آن را به دیگران منتقل می‌کند. مشارکت انسان در رابطه اجتماعی صرفاً از طریق هوش و گفتار و کارهای او انجام نمی‌گیرد، بلکه همچنین از طریق مجموعه‌ای حرکات و اداها انجام می‌گیرد که به ارتباطات او کمک می‌کنند و به وی امکان می‌دهند دوون تعداد بی‌شماری مناسب رایج روزمره فرو رود. تمام کنش‌های تشکیل‌دهنده یافت هستی، حتی نامحسوس‌ترین آن‌ها، میان‌کنش بدنی را درگیر خود می‌کنند. بدن را نباید ظرف و قالبی در نظر گرفت که انسانی را در خود جای می‌دهد، طوری که مجبور باشد موجودیت خودش را به دلیل این قالب تغییر دهد. برعکس، بدن که همواره در رابطه‌ای تنگاتنگ با جهان قرار دارد، راه را برای انسان در این جهان باز می‌کند و جهان را پذیرای او می‌سازد. جهانی آکنده از معنا و ارزش‌ها، همزیستی‌ها و ارتباطات که مدام خود را در برابر حرکت انسان باز می‌گشاید.

جهان خود را از خلال شکوفایی حس‌ها به ما می‌شناساند. هیچ چیزی در ذهن ما وجود ندارد که ابتدا از خلال حس‌هایمان نگذشته باشد. هر دریافتی پژوهشی است از هزاران پژوهش دیگر و جهانی که احاطه‌اش کرده است، جهانی آکنده از بی‌نهایت گزاره لذت و کنجکاوی است که در انتظار یافتن پاسخ هستند. بدین ترتیب، میان بدن و کالبد جهان، نوعی پیوستار به وجود می‌آید که آن‌ها را به یکدیگر گره می‌زند، جغرافیای بیرونی، جغرافیای حساس و زنده است و همراه با بدن، نفس می‌کشد، خونریزی می‌کند، به تنش درمی‌آید یا به خواب می‌رود.

جامعه‌شناسی — یا انسان‌شناسی بدن — که من در این جا آن‌ها را از یکدیگر

تفکیک نمی‌کنم، با گستره بزرگی از لحاظ پژوهشی رودرو هستند. البته شکی نیست که موضوع بدن به‌مثابه فصلی از موضوع‌های مورد مطالعه جامعه‌شناسی (یا انسان‌شناسی) باقی می‌ماند و ناچار به تبعیت از سنت‌های اندیشه و روش‌شناسی آن است، اما تحول‌های این موضوع بسیار فراوان هستند و به نوعی شامل تمام روابط انسان با جهان می‌شوند، زیرا هیچ‌کدام از کنش‌های انسان را نمی‌توان از بدن و حس‌هایش تفکیک کرد. انسان نمی‌تواند جایی جز درون بدنش وجود داشته باشد. کاری که جامعه‌شناسی می‌کند صرفاً آن است که نگاه ما را بیشتر بر شیوه تحقیق یافتن کنش از خلال بدن متمرکز می‌کند تا بر نتایج کنش. جامعه‌شناسی‌ها در پهنه‌های آشوبزده اجتماعی و فرهنگی زاده می‌شوند که در آن‌ها باورهای بدیهی گذشته از میان رفته است و نمی‌توان بر اساس روزمرگی و عادت اندیشید زیرا پدیده‌های تازه‌ای به ظهور رسیده‌اند. کار، فناوری، جوانان، پیری، گردشگری، مرگ، جنسیت و غیره از زمانی برای جامعه‌شناسان به موضوع‌های جذاب تبدیل شدند که چارچوب‌های اجتماعی حامل آن‌ها شروع به فروپاشی کردند. در اواخر سال‌های دهه ۱۹۶۰ در حالی که روابط جنسی به سرعت در حال تغییر شکل بود و فمینیسم نقدی سهمگین علیه پیوندهای اجتماعی و بازنمایی‌های آن‌ها آغاز کرده بود، بدن به‌مثابه موضوع جدیدی وارد علوم اجتماعی شد و این به سرعت پژوهشگرانی همچون ن. الیاس<sup>۱</sup>، م. فوکو<sup>۲</sup>، ژ. بودریار<sup>۳</sup>، ژ. دولوز<sup>۴</sup>، م. داگلاس<sup>۵</sup>، ب. ترنر<sup>۶</sup>، فیثرتون<sup>۷</sup>، ا. هال<sup>۸</sup>، ر. بردوستیل<sup>۹</sup> و غیره انجام گرفت. بدن در این زمان موضوعی پرمسئله‌برانگیز بود که موضوعات دیگر را در هم می‌نوردید و اغلب خود را به‌مثابه یک تحلیل‌کننده کنش‌های اجتماعی یا بازنمایی‌هایی که به صورتی عمیق در اندیشه جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی تجدید شده بودند، مطرح می‌کرد. اما مسئله در این جا بر سر یک جامعه‌شناسی خاص (در یک بخش) همچون بخش‌های دیگر

1. Norbert Elias

2. M. Foucault

3. J. Baudrillard

4. G. Deleuze

5. M. Douglas

6. B. Turner

7. M. Featherstone

8. E. Hall

9. R. Birdwhistell

(مثلاً موضوع‌هایی چون مرگ، جوانان، کار) نبود، بدن در عرصه علوم اجتماعی جایگاهی ویژه داشت. این موضوع در عین در نظر گرفتن ملاحظات معرفتی رایج، اغلب چارچوب‌های رشته‌ای را پشت سر می‌گذاشت و به عرصه‌های دیگری چون تاریخ، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، روانکاوی، زیست‌شناسی، پزشکی، علوم ورزش، و غیره می‌رسید. به همین دلیل نیز مطالعه بر بدن باید وارد نوعی گفتگو با سایر رشته‌ها می‌شد بدون آن‌که خاص‌بودگی و الزامات و دقت خود را از دست بدهد. بدن به پلی میان امر اجتماعی و فرد، میان طبیعت و فرهنگ، میان زیست‌شناسی و امر نمادین بدل می‌شد.

امروز جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی بدن به سرعت رو به شکوفایی دارند و در چشم‌انداز جهانی، گستره بزرگی از مطالعات در برابرشان قرار دارد. اما این تلاش و برنامه‌ای بی‌پایان و شورانگیز است. ما هنوز حتی در سنت کلاسیک مطالعه بر حرکات، آداه‌ها و دریافت‌های حسی، فرهنگ‌های احساسی و بیان عواطف، فنون بدنی، روابط جنسی، ورود بدن در بازی‌های بی‌پایان میان‌کنشی و ... بازنمایی‌های زیبایی، چهره، موها، پوست، مواد بدنی، جسد و غیره راه زیادی پیش روی داریم. امروز شاهد آن هستیم که بازنمایی‌های بدن رو به افزایش هستند و این بازنمایی‌ها در عرصه پزشکی، چه در اشکال سنتی آن و چه در اشکال مدرنش، در جدالی سخت با یکدیگر قرار گرفته‌اند عرصه‌هایی که به هیچ‌وجه دارای تفسیرهای یکسانی از بدن، از بیماری و روش‌های مقابله با آن نیستند. امروز در حالی که بحث پیوند اندام‌ها و برداشت پوست مطرح می‌شود، در عین حال مسئله جایگاه بدن یا بهتر بگوییم جایگاه جسد و مرگ و جهان پس از مرگ نیز به میان کشیده می‌شود. فراتر از موضوع پیوند اندام، مسئله رابطه با اهداکننده عضو نیز مطرح است، مسئله برای فردی که پیوند بر او انجام شده، این است که بخشی از بدن دیگری را دریافت کرده که در برابر آن نمی‌تواند، چیز [معادلی] اهدا کند. بازنمایی‌های بدن در نژادگرایی، در بهنژادی، در روابط جنسی، در ورزش، در ناتوانی‌های جسمانی یا حسی نیز از این جمله‌اند. بسیاری از عملکردهای اجتماعی بدن را در مرکز موضوع خود قرار می‌دهند: عملکردهای سلامت، بهداشت، فعالیت‌های فیزیکی و ورزشی، بدن‌سازی، نمایش، رقص، روابط زیباشناسانه نسبت به بدن خود (آرایش، خالکوبی، سوراخ

کردن پوست، بدن‌آرایی و غیره)، موسیقی، استفاده از داروهای خاص، الکل، روانگردان‌ها، و غیره. همه این فعالیت‌ها روابط خاصی را بدن خود، با بدن دیگران و بازنمایی‌های بدن، با ارزش‌ها، تخیل‌های اغلب متضاد و از لحاظ اجتماعی در تنش با یکدیگر، ایجاد می‌کنند. و همه این ابعاد می‌توانند موضوع‌هایی برای کنجکاوی پژوهشگرانه جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان باشند.

از جنبه‌های دیگر، بدن بر خط‌گستی حاد با امر معاصر قرار دارد. مثلاً در موضوع کمک‌های پزشکی برای تولید مثل، برای نمونه در تولید مثل خارج از بدن و بدون روابط جنسی، و فناوری‌های پزشکی که به صورت قابل ملاحظه‌ای سطح معانی و ارزش‌ها را در روابط میان والدین و فرزند و جامعه زیر سؤال برده‌اند، با چنین مواردی روبرو هستیم. امروز مسئله برداشت و پیوند اندام مسائل انسان‌شناختی حادی را مطرح می‌کنند. به همین صورت باید به قدرت‌گفتمان ژنتیک و شاخه‌های آیدنولوژیک آن (جامعه‌شناسی زیستی، به‌ترتیب و غیره) نیز اشاره کرد. افزون بر این باید به حوزه بسیار گسترده فرهنگ مجازی (اطلاعاتی) در تغییراتی که نسبت به رابطه با دیگری ایجاد کرده‌اند، نسبت به روابط جنسی، تصویر، ارتباط، «واقعیت» دیگر و غیره اشاره کرد. در یک کلام، برای آن‌که بتوانیم این چشم‌انداز کوتاه و خلاصه‌شده را به سرانجام برسانیم، باید بگوییم که جهان معاصر عرصه‌ای بی‌پایان برای مسائل جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی بدن، جایگاهی عظیم برای مطالعه و کار نه فقط بر نوشته‌های بی‌شماری که هم‌اکنون در این زمینه وجود دارند، بلکه ارائه کارها و پرسش‌های جدید است.

در پایان اضافه کنم، علوم انسانی و اجتماعی پهنه‌ای برای آشنایی‌ها و همکاری‌ها نیز هستند و هم از این رو مایلم پیش از هر چیز در این زمینه، قدردانی خود را نسبت به ناصر فکوهی برای دوستی‌اش، اعتمادش نسبت به کار من، و تلاشی که برای ترجمه این کتاب به فارسی کرده است، ابراز کنم.

داوید لو بروتون

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه استراسبورگ فرانسه

عضو انستیتوی دانشگاهی فرانسه و

انستیتوی مطالعات پیشرفته دانشگاه استراسبورگ (USIAS)